



قهرمان راستین وطن

مهرزاد شفیعی پور

در این روزهای سخت که سرمایه اجتماعی کشور رو به تنزل نهاده و بذری بی اعتمادی و نفاق بیش از هر بذری بر آن پاشیده می شود اما باز شاهد رویش و سر بر آوردن نسل جدیدی از فرزندان و قهرمانان راستین در دل این آب و خاکیم که زندگی و آزادی را به جای مرگ و اسارت فریاد می زنند.

قهرمانان راستینی از جنس مردم و انسان های باز و نه انسان بسته. نسلی که به هستی و انسانیت عشق می ورزد و در پی جایگزین کردن انسانیت به جای نفرت پراکنی و نفی دیگران است. نسلی که با اندیشه روشن و هدفمند و چراغ به دست در پی روزنه های امید و تاباندن نور اندیشه های والای انسانی و جهان وطنی به دل این تاریکخانه است.

قهرمان واقعی امروز جامعه ایران این پسر بچه ۱۳ ساله بنام محمد حسن عسگری ساکن زواره اصفهان است. او همراه پدرش چند وقت پیش، شب هنگام که بصورت داوطلبانه با تراکتور شخصی مشغول گند زدایی ویروس کرونا در سطح معابر شهر زواره بودند، متاسفانه دچار سانحه و سقوط از روی تراکتور و گیر کردن پای چپ وی به گاردان تراکتور می شود. پای چپ او به شدت آسیب می بیند به بیمارستان منتقل و پایش را پیوند می زنند اما در نهایت به دلیل جراحت و عفونت شدید؛ پای چپش قطع و آن را از دست می دهد.

این کودک سیزده ساله آرزویش این بوده روزی فوتبالیست شود و در جایگاه علیرضا بیرانوند بازیکن مورد علاقه اش قرار بگیرد. اما سرنوشت او جور دیگری رقم می خورد. فداکاری، عشق و علاقه او و خانواده اش به دگرخواهی و نوع دوستی مسیر زندگی وی را عوض می کند و به نظر نگارنده این حادثه او را به یک قهرمان واقعی و جاودانه تبدیل می کند.

در آخر می گویم ای قهرمان راستین وطن، آرزو، صورت و تجسم تو برای فعالیت در فرهنگ فریبنده و سرگرم کننده ورزش فوتبال و کسب مقام قهرمانی و ایستادن در جایگاه علیرضا بیرانوند و سایر قهرمانان دیگر به وقوع پیوست و تو به به عنوان یک قهرمان راستین (نه قهرمانی از جنس عادت واره های بدنی) در متن فرهنگ واقعی جامعه ایران قرار گرفتی.